

## حسین علیایی

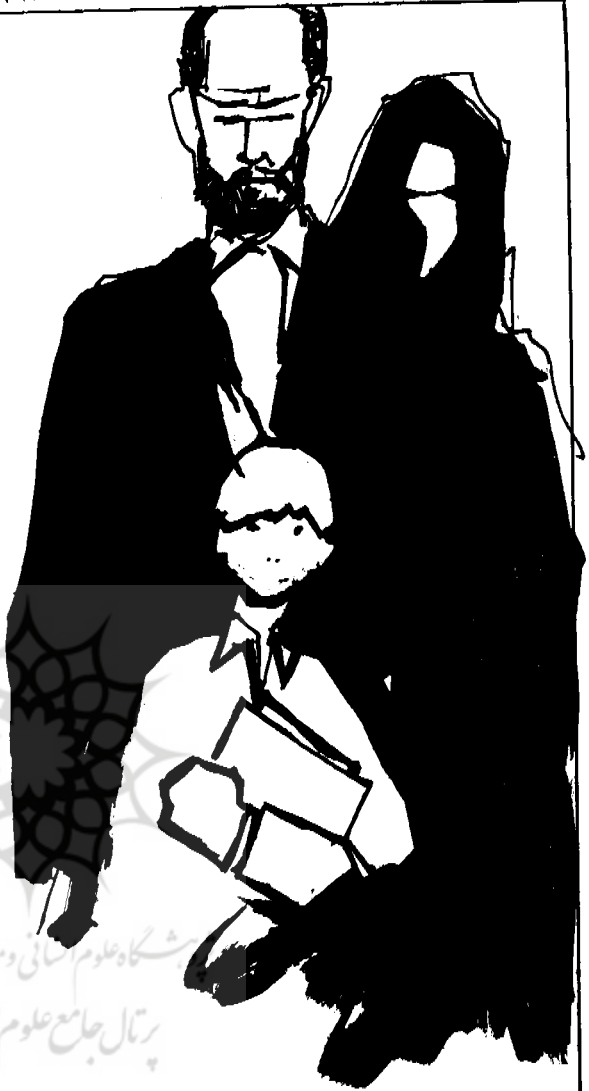
یکی از مهمترین عوامل موفقیت انسان در هر کاری عامل نظم و ترتیب است. نظم و ترتیب در کامیابی انسان در همه امور زندگی نقش بزرگی دارد. اگر آدمی ساعات کار و اوقات فراغت، زمان تلاش برای تامین معاش و اوقات انجام فرائض و عبادات و ساعات استراحت و خواب و سایر امور روزانه زندگی خود را بر پایه‌ی نظم صحیح استوار سازد از زندگی ثمر بخش و سعادت‌مندانه‌یی بهره‌مند خواهد شد. نظام آفرینش بهترین سرمشق نظم و تربیت است.

نظم بزرگی که بر سرتاسر جهان هستی حکم فرماست آنچنان دقیق و شگفت‌آفرین است که مایه‌ی اعجاب همه‌ی دانشمندان عالم است، همه‌ی پدیده‌های عالم هستی از نظم کرات و کیهان و حرکات و گردش منظم آنها، نظم در گیاهان و جانوران، نظم بسیار دقیق در ساختمان وجود انسان و سلسله اعصاب او و افزون بر این هم آهنگی و ارتباط ویژه‌ای که در ذرات نامرئی سازنده‌ی یک پدیده برقرار است ما را بر این باور وامیدارد که هر چه در جهان است بانظم و ترتیب است و قرآن کریم گویای همین حقیقت است آنجا که میفرماید:

"الشمس والقمر بحسبان... یعنی که مهر و ماه بر محاسبه‌ی بس دقیق قرار دارند..."

حیات آدمی نمی‌تواند از این امر مستثنی باشد و چنانچه انسان پا را از دایره نظم و انضباط بیرون نهد کارش با شفتگی و سرگشتگی میکشد. و انسانهایی موفق و کامیابند که زندگی خود را با برنامه حساب شده و دقیق تنظیم کرده و با روش منظم دنبال کنند.

ابتداء فکر خود را منظم کنیم: روشن است که انسان قبل از هر کار و حرکتی هر چند بی اهمیت است و



# ضرورت نظم و ترتیب

## در زندگی خود و فرزندان

شهادت و در آخرین پیامهای خویش به امامین  
همامین حسن و حسین علیهم السلام و همه  
اقربا و اصحاب و مسلمانان چنین توصیه میفرماید که:

"... اوصیکما و جمیع ولدی و اهلی و من بلغه  
کتابی بتقوی الله و نظم امرکم ..."

از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و سلم پیاموزیم  
مطالعه و بررسی زندگانی پراز رنج و مشقت  
و سراسر گرفتاری و کارهای پر مسئولیت و خطیر  
حضرت ختمی مرتبت (ص) بمامت مسلمان درسی  
بزرگ میدهد زیرا آن وجود مقدس بار چندین  
مسئولیت بزرگرا بر دوش داشت از طرفی پیام آور  
خدا و پیشوا و رهبر خلق و از سوی دیگر فرمانده  
جنگ بود و در عین حال پاسخ گوی تمام نیازها  
و درخواستها و توقعات گوناگون و بجا و نابجای  
روئسای قبایل عرب بود و افزون براینها به امور  
داخلی و خارجی مسلمانان می رسید به امور  
شخصی و خانوادگی خویش نیز می پرداخت با  
اینهمه عبادات سنگین رسول اکرم (ص) نیز  
زبانزد همه مورخان است. لذا عقل و منطق بما  
میگوید که اجرای اینهمه مشاغل خطیر بجز  
با برنامه های منظم امکان پذیر نبوده است .

بر کاری نباید موجب بی نظمی شود .  
بسیاری از مردم بعلت کار و گرفتاری زیاد ازوظایف  
اجتماعی و مذهبی و اخلاقی شانه خالی میکنند و  
باین عذر متعذر می گردند که کسب و پیشه و  
مشکلات گوناگون زندگی به آنان مجال نمیدهد که  
به عبادات و دیگر کارهای سازنده تربیتی و  
مذهبی برسند !

ایندسته از مردم متاسفانه سالی یکبار بمدرسه  
فرزندان دلبنند خود آنهم در صورتیکه آنان  
تجدید یامردود شوند و آنهم برای اعتراض سر  
میزند ! ! و به بارها دعوت مسئولان مدرسه و  
انجمن اولیاء و مربیان برای تشریک مساعی و

کوچک باشد ابتدا فکر آن حرکت و آن کار بخاطرش  
خطور می کند .

و هر قدر کار مهمتر و حرکت سازنده تر باشد  
اندیشیدن درباره ی آن باید دقیقتر و حساب  
شده تر باشد . پس نخست باید درست اندیشید و  
اندیشیده ها را منظم ساخت آنگاه با نظم  
و ترتیبی خاص بدان کار مبادرت نمود و این امر  
نه تنها در کردار لازم است بلکه در گفتار نیز  
ضروری است چنانکه گفته اند اول اندیشه وانگهی  
گفتار ، یاقول سعدی : "مزن بی نامل بگفتار  
دم ...."

کسی که افکارش منظم نباشد گفتار ، کـرـرـدـار  
و نوشتار او نمی تواند منظم بوده باشد بنابراین  
این آدمی باید برای منظم ساختن امور فردی و  
اجتماعی و سامان بخشیدن وضع خود نخست  
افکار خویشرا منظم سازد .



موجب نابسامانی و آشفتگی است ، بی نظمی بر—  
خلاف قانون کلی طبیعت و دستگاه عظیم خلقت  
است ، کسی که در کارش نظم و تربیت رارعايت  
نکند هرگاه موفقیت او در انجام آن کار محال  
نباشد امری دشوار است . پدران ، مادران  
و معلمان چنانچه در امر پرورش و آموزش و سایر  
امور شیوه ی نظم رابکار ننندند علاوه بر آنکه به  
خود زیان زده اند فرزندان و دانش آموزانرا نیز  
عملا " به بی انضاطی و نامنظمی سوق داده اند  
و بدین طریق بانان ضروری جبران ناپذیرده اند .  
مولای متقیان امیر مومنان علی علیهما السلام که نتایج  
زیانبخش بی نظمی و تشتت در اندیشه و کردار را  
از مسلمین زمان خویش مشاهده فرموده بود در بستر

شخص مسلمان بتواند هم بزندگی دنیای خود برسد و نیازمندیهای زندگی مادی خویش را برسد رفع احتیاج تامین سازد و هم از زندگی انسانی و معنوی و اخروی خود بازماند و در عین حال هیچیک را فدای آند دیگری نسازد.

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: "لسرمانا من ترک دنیا لاخرته ولا آخرته لدنیا" از ما نیست کسیکه دنیا را خود را برای آخرت و آخرت خویش را برای دنیا ترک کند.

م دنیای بی دوام و زودگذر است و مسلمان باید در این دوره کوتاه عمر برای تامین نیازمندیهای مادی و معنوی و بهبود زندگی خویش تلاش و کوشش کند و در عین حال از امور آخرت نیز غافل نماند و برای زندگی جاودانی آن سرای که هدف اصلی است نیز همواره بکوشد. بدیهی است نیل بدین دوهدف بدون داشتن یک برنامه صحیح و جامع در فرصت کوتاه عمر آدمی غیرممکن است.

کار و کوشش در اسلام پسندیده است اما حرص و آز ناپسند است

دستورات پیشوایان دین و ائمه ظاهرین همواره ما را به کسب و کار و تلاش و کوشش، تشویق و در مقابل از زراندوزی و حرص و آز باز میدارد و دستور میدهد که مسلمانان همواره کار و کوشش و کسب روزی از راه حلال را پیشه خود سازند و صبحگاهان برای تامین معاش حرکت کنند و در عین حال لحظه ای از امور معاد خویش غافل نمانند و در امر معاش

هم آهنگی در امر تعلیم و تربیت فرزندانشان حتی پاسخ نمی دهند !!!

به این گروه از مردم باید گفت که اولاً "امور حیات خود و فرزندان را باید مورد مطالعه قرار دهند و گرفتاریهاییکه بعلت حرص و آز گریبانگیر خود ساخته اند و موجب کوتاهی عمر و تباهی دین و دنیای آنان گشته است به یکسو افکنند.

ثانیاً "چنانچه نظم و ترتیبی در کارها باشد و امور مختلف بر آن مبنا طبقه بندی گردد و برای هر کدام به نسبت ضرورت و اهمیت در شبانه روز وقت لازم در نظر گرفته شود آدمی در انجام همه آنها موفق گردیده و هیچگاه کارهایش دچار پریشانی و آشفتگی و نابسامانی نخواهد شد.

اوقات شبانه روز را برای انجام کارها تقسیم باید کرد.

هفتمین کوبک تابناک آسمان امامت و ولایت حضرت موسی کاظم علیه السلام چنین توصیه فرمود که شبانه روز خود را به چهار بخش تقسیم کنیم:

اولین بخش را در پرستش الهی و انجام فرائض و مستحبات و عبادات صرف کنیم دومین بخش را در پرداختن با امور معاش و تامین نیازهای زندگی سومین قسمت را به معاشرت با دوستان خوب و مخلص و دانا و خداترس و خداشناس و کسب علم و معرفت و بهره مند گردیدن از لذات مشروع تفریحات سالم و چهارمین قسمت را بخواب و استراحت که موجب تامین نیروی از دست رفته گردد.

### هفتمین کوبک از نظم

اسلام به نظم و ترتیب اهمیت بسیار قائل است هدف آن از نظم آنگونه نظم و ترتیبی است که بکمک آن

آنرا بررسی کند و پیش بینی نماید و مقدمات و علل و اسباب آنرا با در نظر گرفتن استعداد و توانائی جسمی و روحی خویش بسنجد و پس از آنکه انجام آنرا بصرفه و صلاح خود یافت و امکان توانائی آنرا در خویش دید و یقین حاصل کرد که منطبق با موازین شرعی و مفید بحال فردی و اجتماعی است آنگاه تصمیم به انجام آن کار بگیرد و در این وقت برای از بین بردن هر گونه دودلی و نگرانیهای که مایه‌ی وسوسه می‌گردد توکل جسته و بانیروی ایمان و اتکاء بخداوند بـدان کار مبادرت نماید قرآن کریم در این باره بـمسلمانان چنین دستور میدهد: "فَإِذَا عَزَمْتَ أَنْ تَلْفُتْ بِاللَّهِ يَحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ"

پس آنگاه که تصمیم گرفتی به خدا توکل کن که خدا توکل کنندگان را دوست میدارد.

نیز بدا گونه که نه بافراط دچار شوند و نه به سستی و تنبلی مبتلا گردند. چنانکه حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام می‌فرماید:

"اعمل لدنیاک کانک تعیش ابداء و اعمل لآخرتک کانک تموت غدا"

برای دنیای خود چنان کار کن که گوئی همیشه زندم ای و برای آخرت خود چنان کار کن که پنداری فردامیبری.

نظم و ترتیب با توکل مغایرت و منافات ندارد:

باید بخاطر داشت که نظم و ترتیب در امور بهیچوجه با توکل منافات ندارد. *منافة الجمیع نیست زیرا مفهوم حقیقی توکل آنستکه انسان تا آنجا که ممکن است قبل از شروع هر کار جزئیات*

صفحه ۲۲۲

۱- انما ظنننا الحدیث کالارض الخالیة المانی فیها  
 (علی علیه السلام) قرآن کریم سوره ۲ آیه ۱۶۵  
 ۲- انما ظنننا ان الله یهدی الذمیر  
 ۳- انما ظنننا ان الله یهدی الذمیر

بقیه از صفحه ۲۸

۱- انما ظنننا ان الله یهدی الذمیر  
 ۲- انما ظنننا ان الله یهدی الذمیر  
 ۳- انما ظنننا ان الله یهدی الذمیر

مجدداً نامه‌ای به ابوذر نوشت و توضیح خواست. ابوذر در جواب نوشت: «مقصودم از محبوبترین و عزیزترین افراد در نزد تو همان خودت هستی. مقصودم شخص دیگری نیست. تو خودت را از همه مردم بیشتر دوست می‌داری. اینکه گفتم با محبوبترین عزیزانت دشمنی نکن، یعنی با خودت خصمانه رفتار نکن. مگر نمی‌دانی هر خلاف و گاهی که انسان مرتکب می‌شود، مستقیماً صدمه‌اش بر خودش وارد می‌شود و ضررش دامن خودش را می‌گیرد.»

بقیه از صفحه

